

جامعہ ہمدرد  
JAMIA HAMDARD  
مکتبہ و خانقاہ  
قسم المخطوطات  
ہمدرد نئی دہلی

297.1229  
F2M



**FUMIGATED**

۲۵ ق ۱۹

13 x 20 1/2

۱۱۲

۲۶۹

مفسرہ در قرآن و تفسیر

میر نام ۳۲ در ۱۱۲، ایکے میر میرے میرے

رسالہ در قرآن عالم ہی کیا ہے، بسوخت ۱۰۰

نصف کا نصف ۶۶۵، میری میری میری

بر اساس الموالعین ۱۲۱۵ میری میری

نام نصف: ۱۰۰، میری میری میری

عین انہی دو کہ ہیں ۱۰۰، میری میری میری



FUMIGATED





بسم الله الرحمن الرحيم  
حمد و سپاس بقیاس مرآتینده را سز و شاید که از کتب  
کاف و نون آفت وجود نه کاشت و باطاف صنع بچون رایت حمد  
برافراشت و از خزانه اعطی کل شیء خلقه هر یک آفا و کانیات و  
افراد ممکنات را خلقت صورتی مخصوص گردانید و از جامه خانه و  
تخصیص هر یک را بجله کسوفی مزین ساخت و اهل شرک و طغیان و  
جمل و عدوان را بکلم تم رد و ناه باسفل سافلین فرستاد و عافان  
را و به ایمان را بمقتضای الالهدین ایموناج اصطفای بر سر نهاد و اهل  
علم را بابتلاء درجات رفیع و مقامات منیع بموجب بهر استواری  
الذین یعلمون و الذین لا یعلمون و الذین اوتوا العلم و الذین لم یوتوا العلم  
قیمت پوشانید و از آن جمله جمله قرآن عظیم و فرقان کریم را بنیمن  
تم آورش و تفکیک اولیک یومنون به مستثنی گردانید و هیچ در آنکه  
اوره نیست عقل جان از کالاش که نیست سست جولان از غم جان  
و هم تنگ میدان ز کنه و صفش فهم فعل او خارج از دهر و ن و برون  
ذات او برتر از جگونه و چون لا تدركه الابصار و هو یدرک الابصار  
و هو اللطیف الخیر و هزاران هزار شراف صلوات و لطایف تحیات  
نهار و روضه مقدسه و قبه منوره و تربه معطره پیغمبری باد که بپایه  
دلیل کافی و الا نه کلام شافی و اظهار دلایل اعجاز و ابرار معانی

حقیقت و محاز و بایجاز بیان و ایضاح تبیان رنگ کفر و صدای  
 بشرک از آینه آفاق بزد و در بفضاحت فایقه و بلاغت زاریقه زبان  
 ربان فصحا و بلغای عرب و عرب را بسته در نقب ملت زهر او کسر  
 لات و عزای بد بیضی نموده یعنی خواجیه کانیات و خلاصه موجودات  
 تحت نشین لامکان مقصد امر کن فکان شمسوار قبه الملک  
 تاج دار فخرک و لولاک مکرم محبتی محمد مصطفی صلوات اسم علیه  
 و آله و بر آل زاهر و اولاد فاجر و عمرت طاهران حضرت خصوصاً بر  
 پیشوای زمره اصفیا و ارث موارث انبیا بادشاه تختگاه سلوئی  
 و انما مالک ملوک و اذایت ثم رأیت نعیم و ملک کبریا آن ولی خدا  
 و نفس رسول باب سبطین پاک و زوج بقول بود دریای علم و کوه  
 و قار کف جان بخش آب دریا بار دست جویش جویشان کشتی  
 کبیر برد از بحر و کان کشتی تیغ قهرش جو در مصاف شدی  
 زهره بر دلان شکاف شدی یا علی جان مافدای تو باد روز و شب  
 کارمانشای تو باد صلوات اسم علیه و آله و بعد چنین گوید فقیر حقیر  
 کثیر التقصیر سرگشته بادیه سرگردانی و کم گشته وادی نادانی محتاج  
 الی عفو ربه المادی عابد الدین علی الشریف القاری الایسته ابادی که  
 چون زمان واجب الادعایان تو اب علیه عالییه موسویه صفویه مهر



سیم سلطنت و شهرت که در آسمان فلک سیادت و کامکاری مظهر  
 الطاف الهی و مظهر انوار و شای خورشید سیم مملکت و ماه افق رفعت  
 و مشرق برج سعادت و مکنین خاتم سیادت و واسطه یکتااری و در حد  
 کامکاری بلقیس الزمان و خدیجه الوداد این آقا کشن آمد ز خداوند خطاب  
 بانوی هر دو جهان مریم بلقیس جناب ای ز بار کرمت کردن کردن شده  
 وی از موج کرمت زهره دریا شده آب برق با سرعت غرقت همه صبر است  
 و سکون طاه با صدمت خلعت همه شیر است و شتاب کرکات کند از  
 لطف تو در باغ نسیم در روایت کند از لطف تو در بحر سحاب از هوا خاک شود  
 صدقه سیمین سمن و زحیا لعل شود که هر لولو خوش آب خلدانه طلبها و مد  
 الایام سلطنتها صادر شده بود که این حقیر مفوده در قراءت عاصم نویسد  
 بطریق شاطبیه که اصح طرق است بر وجهی که اضلا ذکر باقی قراءت مسایل قراء  
 ایشان نباشد چه باشد از مسایل قراءت او باشد پس بنابر امر عالی  
 نوشته شد این رساله در قراءت عاصم اصولا و فوشا بطریق شاطبیه و هر  
 گشت بر مقدمه و سیم باب و خاتمه اما مقدمه و آن مشتمل است بر سه فصل  
**فصل اول** و آن مشتمل است بر سه قایده **قایده اول** اقول و بانه  
 المتوفیق که برای ارباب فهم و زکا و اصحاب فطنت و زکا مخفی و نهان نیست  
 که فضیلت و مزیت علم اجل فضایل و افضل مریاست و این مقدمه بهرگاه